

قصه نقش‌ها و آدم‌ها



روح‌اله نغمی

خبرنگار هم‌میهن

نقل سردرگمی و آگاهی است
 نقل هشیاری است با مستی
 قصه عادت‌ها که می‌شکنند
 ناگهان جای دیگری هستی
 دائم از خود سوال می‌پرسی
 در کدامین گناه هم‌دستی
 ناگهان رفتی و رها کردی
 همه پیوندها که خود بستنی
 از چنان‌ها جدا شندی و هنوز
 با چنین‌ها چنان نپیوستی
 رشته‌های تنگ مانده دور دلت
 رشته‌ای که هنوز نگسستی
 روی دوش است باز آن باری
 که کشیدی و باز نشکستی
 رستی از بندهای جبر و دریغ
 خویش از بند خویش کی رستی؟

ماجرای رقتم به اجبار و آمدنم به ناگهان، این مدت مرا غرق فکر کرد، به اینکه چه چیز ما را بعد از رفتن و آمدن، ناخوش می‌کند. فکر کردم ماجرا، ماجرای نقش‌ها و آدم‌هاست. به جاها نیست که عادت می‌کنی. جاها که خوب نیستند. حتی به آدم‌ها هم نه. به نقش‌هاست. به نقش‌های آدم‌ها برای تو و نقش‌های تو برای آدم‌ها. عادت می‌کنی که فلانی برای من فلان کس است، فلانی فلان می‌کند و من برای فلانی فلانم. این یکی وقتی آشفته‌ای حرف‌های آرامش‌بخش می‌زند و آن یکی وقتی از بی‌احترامی آزاده‌ای، تو را بزرگ می‌دارد. این یکی وقتی نمی‌دانی آگاهی می‌کند و آن یکی وقتی تردید داری اطمینان می‌بخشد. این یکی یادت می‌دهد همراهی بی‌توافق را و آن یکی به تو می‌آموزد جسارت شکست و باز شکست و باز شکست. این یکی نشانت می‌دهد کی چگونه بایستی و آن یکی تعلیمت می‌کند، جرأت سیران‌اختن را. خودت هم کارت می‌شود اینکه وقتی این یکی ناراحت است بخندانی اش، وقتی آن یکی حرف نمی‌زند، بشنوی اش، وقتی این یکی دستی دراز می‌کند، بگیری و وقتی آن یکی می‌پرسد، پاسخ بدهی. کارت می‌شود اینکه سعی کنی به درد بخوری. اصلاً مگر زندگی غیر از این است که به درد بخوری؟ یاد می‌گیری در کمین باشی برای فردی که درد خوردن که حس کنی فایده‌ای داری که حس کنی بودن تو برای یکی بهتر است تا نبودن، حالا که هستی.

این‌ها را یاد می‌گیری. مثل تکه‌های اسباب‌بازی خانه‌سازی با این‌ها روزت را می‌سازی. روزت را، هفته‌ات را و زندگی‌ات را و روزی ناگهان، می‌روی، یا می‌روند و حالا، شاید اصلاً آن رفتن خبر بدی نباشد اما نقشی بوده که حالا نیست و تو، یادت رفته بودن بدون این نقش را. یادت رفته وقتی چنین می‌شود، جز اینکه سراغ فلانی بروی، چه باید بکنی. یادت رفته وقتی به فلانی کمک نمی‌کنی، چه داری می‌کنی. یادت رفته اصلاً خودت چه کاره‌ای بدون نقشی که برای این و آن ایفا کرده بودی و این و آن برای تو. یادت می‌آید که برای آن یکی، این یکی کار را تو می‌کردی و حالا که تو نیستی، کس دیگری هست یا آن نقش برای او شده نقضی و جایی خالی؟ جاها که خوب نیستند. رفتن از جاها که عذاب وجدان ندارد. رها کردن نقش‌هاست که عذاب وجدان می‌دهد. پیدا نکردن نقش‌هاست که اذیت می‌کند. اجبار که عذاب وجدان ندارد، کم کردن نقش‌هاست که دردش چنگ می‌زند و قلبت را به هر بهانه‌ای فشار می‌دهد، به بهانه یک استکان چایی، یا یک نخ سیگار، یا یک لقمه نان، یا یک جرعه لیخنند، یا یک سایه اشک، یا یک قطره باران، یا یک برش آفتاب، یا یک نسیم خنک، یک هرم گرم. تازه آمده‌ای و هنوز نفهمیده‌ای در این جای دیگر به چه دردی می‌خوری. تازه آمده‌ای و هنوز کسی تو را پیدا نکرده که به دردش بخوری و اصلاً مگر زندگی غیر از این است که به درد بخوری؟

و همه آنچه همه ما از زندگی می‌خواهیم شاید همین است. به درد بخوریم و کسی باشد که به دردمان بخورد و مجبور نباشیم و کسی مجبور نباشد نقشی را که می‌خواهد رها کند و مجبور نباشد نقش آفرینی را که لازم دارد، فقط در خاطره با خود داشته باشد یا فقط از دور، با یک صدا یا یک عکس، یک تکیه‌کلام، یک درس و یک دل‌نگینی. کاش کسی مجبور نباشد جایی برود. کاش کسی مجبور نباشد از جایی بیاید. کاش هیچ‌کس هیچ‌وقت مجبور نباشد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریاسچی
 • مشاوران: عباس عبیدی و احمد زیدآبادی
 • سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
 • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرژانتین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
 • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناژ محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
 • مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
 • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
 • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حرفه‌چینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۰۰۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
 • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. • تلفن چاپخانه: ۰۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۰۲۱۰۶۱۹۳۳

ادامه یادداشت سردبیر

۲ طرف‌ها بر پایگاه دولت می‌افزایند؛ چون خود نیز سرمایه‌ای هستند. دبیری‌ها البته ممکن است از زهد اقتصادی سرمایه‌دار باشند و چند میلیارد تومان برای سفری هزینه کنند؛ اما از بعد اجتماعی، سرمایه‌ای ندارند که حتی اگر بخواهند، به دولت بیافزایند. بی‌مایه فطیرند و مصداق آن سخن شاعر که فرمود:

ذات‌نیافته از هستی بخش/کی تواند که شود هستی بخش

۳ برکناری دو معاون پرکنارنده رئیس‌جمهور تحت‌تأثیر دو سفر رخ داد. آتش حملات چندماهه مخالفان به ظریف که داشت فروکش می‌کرد، با سفر او به داووس و گفت‌وگویش با فرید زکریا و کنایه‌اش به سعید جلیلی، تبدیل به موجی خروشان شد که بالاخره معاون راهبردی پزشکیان را بر انداخت. سفر ظریف اما خروجی جدی در جهت گفتمان‌سازی و اصلاح تصویر ایران در شرایط بحرانی سیاست خارجی داشت و حتی از بعد رسانه‌ای، با اقبال گسترده و رگور دزنی بازدیدکنندگان یک خروجی داووس در فضای مجازی همراه بود. مقصد سفر دبیری اما قطب جنوب بود و خروجی آن، نمایش تجمل و شکاف باورکردنی میان نگاه دولتمردان و وضعیت مردمان، پیامی تلخ و تند و کمرشکن که گرچه تصویر این سفر هم با اقبال بازدیدکنندگان فضای مجازی همراه شد؛ اما این اقبال، فقط میوه تلخی چون تنفر از دولت به بار آورد.

۴ از منظر نسبت دو معاون و رئیس‌جمهور نیز، ظریف‌ها و دبیری‌ها از دو جنس متفاوتند. ظریف چه در دوران انتخابات و چه مقطع حضور در دولت، نماد و نماینده جریان سیاسی-فکری بود که پیوستن و همراهی آن با پزشکیان، بر مبنای «شرکت» و «اشتراک» بود. شرکت در دولت بر مبنای اشتراک در سیاست. حال آنکه پیوستن دبیری‌ها به پزشکیان، بر مبنای «رفاقت» بود که چون ربطی به سیاست و گفتمان راهبردی نداشت، حتی رفاقت قدیمی‌را هم خراب کرد. اغلب اعضای «حلقه‌دان‌شگاه‌تبریز» و وابستگان اقتصادی و قومیتی آن در دولت، نه فقط اشتراک سیاسی یا راه‌وای برگزیده انتخابات اخیر ندارند؛ بلکه با ندانم‌کاری (در نگاه خوش‌بینانه) و بی‌اطرح و برنامهریزی (در نگاه بدبینانه)، از پشت‌به دولت تنفر می‌زنند و خواسته‌ها یا ناخواسته برده رفاقت پزشکیان را می‌درند.

۵ ظریف‌ها از منظر توان و ظرفیت کارشناسی نیز قابل قیاس با دبیری‌ها نیستند. منظور از تخصص طبعاً در اینجا، ورود و فهم از عالم سیاست و نیز داشتن دانش و تجربه در حوزه مسئولیت است. ظریف یک دیپلمات سطح جهانی است که سال‌ها با شاخص‌ترین نظریه‌پردازان و استراتژیست‌های حوزه سیاست و روابط بین‌الملل همکاری و گفت‌وگو داشته است و تجربه فعالیت در پیچیده‌ترین پرونده‌های بین‌المللی پس از انقلاب را داشته است. بر همین اساس بود که او در دولت روحانی به وزارت امور خارجه رفت و پرونده مذاکرات هسته‌ای را در دست گرفت و در دولت پزشکیان نیز، معاونت راهبردی رئیس‌جمهور را عهده‌دار شد که در همین مدت کوتاه خروجی‌های «طرح مودت» و «سند راهبردی و تاریخی برای از بین بردن تصویر تهدیدمحور ایران را به همراه داشت. در مقابل، دبیری گرچه پیشگی متخصص با وسواس و با تجربه بود؛ اما هیچ سابقه و کارنامه‌ای در حوزه نمایندگی مجلس نداشت و به‌رغم این، به معاونت پارلمانی رئیس‌جمهور منصوب شد. البته در چنین اتمسفری، مسئولیت و ایراد اصلی متوجه شخص نصب‌کننده (رئیس‌جمهور) است که فردی بدون سابقه و شناخت لازم از پارلمان و مناسبات و صف‌بندی‌های آن را به معاونت پارلمانی گماشته است. اما پذیرش این مسئولیت از سوی فرد منصوب‌شده (دبیری) هم از نظر اخلاق حرفه‌ای و سیاسی، محل نقد است؛ او را در مظان اتهام «بیست گرفت» به هر جهت و در هر مسئولیت» قرار می‌دهد؛ گرایشش که در میان طیفی از سرمایه‌داران شهرت طلب دیده‌می‌شود.

این فهرست تمایزها و تفاوت‌ها را می‌توان همچنان ادامه داد. اما نکته مهم و تعیین‌کننده نوع مواجهه شخص رئیس‌جمهور و کلیت نظام سیاسی با این دو نخله دولتمردان است. تکلیف طیف قدرتمند و رادیکال ساخت قدرت که روشن است. آنان با «نظارت استصوابی» در انتخابات مجلس و «قانون استصواب در مشاغل حساس» در سطح قوه‌مجریه و بخش‌های مدیریتی، عملاً و به‌شکلی ساختاری، اولویت‌را به گرینش و پرکشین نخله‌های ناتوان، فرصت‌طلب، غیر متخصص و بدون پشتوانه سیاسی، و احاطه داده‌اند که اوج آن در دوران سه‌ساله دولت خالص ساز سیزدهم بود که محصولات ناب خود را در وزاری محکوم پرورده جیش دبی یا کرکشین عبدالملکی... بروز داد. دبیری‌ها هم محصول چنین روندی هستند. وقتی پارلمانتاریست‌ها یا سابقه مجالس قبل با انواع اتهامات و محکومیت‌ها و پرونده‌های حاشیه‌سبب‌ساز پانده‌شده، معاونت پارلمانی به چهره‌ای غیر پارلمانی سپرده می‌شود. اصلاً، هدف طیف خالص ساز همین به‌هم‌ریختن و تضعیف بوروکراسی و بی‌محتوا کردن نهاد دولت است تا اسان‌تر بتوانند بر آن چنگ اندازند و به هر بیره‌ا‌ه‌ای که می‌خواهند، بزنند. همچنان که با نظارت استصوابی و تخریب جایگاه قانونگذاری و موازی‌کاری و موازی‌داری به‌ویژه در دو دهه اخیر نهاد پارلمان و نمایندگی مجلس را از محتوا خالی کردند.

اما سویی دیگر مسئله، شخص رئیس‌جمهور و نیروهای مؤثر نزدیک به او هستند که جادار ماجرای دبیری را مغتنم بدانند و تکلیف مسیر آینده دولت در میان دو نخله «شرکا» (ظریف‌ها) و «بقا» (دبیری‌ها) روشن سازند و مسیر سرمایه‌سوز کنونی را تغییر دهند. متأسفانه جز عزل دبیری در موارد دیگر، عملکرد شخص رئیس‌جمهور و حلقه اصلی ایشان در نهاد ریاست‌جمهوری مناسب نبوده است. گویی این حلقه، چندان تمایل و علاقه‌ای به حضور زئوال‌ها و بزرگان خارج از حلقه محدود خود در دولت ندارند و در مواردی مانند کنایه‌های گل‌های حذف و حاشیه‌نشینی چهره‌های شاخص دولت را تندروترین طیف‌های مخالف دولت بدهند. این، اتفاقی بود که در مورد ظریف رخ داد و به‌یونگی دیگر در باره علی‌طیبنیاب و عبدالناصر همتی نیز تکرار شد. به‌رغم راه‌های حمایت‌های لفظی و مقطعی، شخص پزشکیان نیز در باره این چهره‌ها شرط شرکت را چنان که باید به جانیاورد و به نظر می‌رسد علاوه بر مخالفان دولتی، از آن به رفقاً و هم‌فکرانی هم افتاد که نهاد ریاست‌جمهوری را ملک طلق خویش می‌پندارند و هر وزنه و بزرگی را از اطراف رئیس‌جمهور می‌برند. و حذف دبیری‌ها بر اعتبار سیاسی و سرمایه اجتماعی دولت و شخص رئیس‌جمهور می‌افزاید و در نزد جامعه و بدنه حاکم‌آمید می‌زاید. ایستادگی و مقاومت در برابر حذف ظریف‌ها نیز چنین نقشی ایفا می‌کند. اما در عمل، نهادهای روشنی از این ایستادگی دیده‌نشند. جادار آقای پزشکیان یک بار پاسخ دهد که چرا ظریف‌ها شد؟ چرا نهاد ریاست‌جمهوری حتی یک مراسم تجلیل برای کسی که تمام‌قد در جریان انتخابات و پس از آن به میدان آمد و همه تیرهای تیرتیمت و حتی حکم اعدام در میدان‌ها و خیابان‌ها را به جان خرید؛ برگزار نکند؟ آیا در اینجا هم، منع قانونی و مصلحت‌نظام در میان بود؛ آن هم در حالی که چند روز پس از برکناری، ظریف به افطاری رهبری هم دعوت شد. از ظریف بگذریم؛ در باره وزیر سابق اقتصاد هم پرسش جدی وجود دارد. در حالی که منتظر می‌رفت و شنیده می‌شد که عبدالناصر همتی پس از آن استیضاح در ریاست‌بانک گمارده شود تا در شرایط فشار حداکثری، حداقل از توانمندترین نیروهای خود در برابر جنگ اقتصادی ترامپ سود ببریم؛ نه فقط پزشکیان چنین اقدامی نکرد، بلکه در نهایت تعجب، امروز و گذشته بیش از یک ماه از استیضاح حتی حکمی تشریقاتی در سطح مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور و یا انتصاب به‌عنوان جایگزین ظریف در معاونت راهبردی صادر نشده است و بدین ترتیب، عملاً چراغ سبزه مخالفان برای قلع و قمع سایر زئوال‌ها و معدود اصلاح‌طلبان اصیل دولت داده شد. باید منتظر ماند و دید آیا برکناری دبیری، آغاز تغییر رویه‌ای جدی از سوی رئیس‌جمهور خواهد بود یا آنکه در حد اقدامی مقطعی و اجباری و نسبتاً دیر هنگام متوقف خواهد ماند؟

جایزه‌ای معتبر

سه اثر ابوالقاسم خوشرو برگزیده جشنواره بین‌المللی عکاسی 35awards در سال ۲۰۲۴ شد

پلنفرم کشف استعدادها جدید

35awards که به‌عنوان پلنفرم کشف استعدادها جدید و معرفی آنها به جامعه عکاسی شناخته می‌شود، سیستم رأی‌گیری سه مرحله‌ای دارد. در هر مرحله شرکت‌کننده‌ها در رأی‌گیری‌ها مشارکت می‌کنند و پس از رأی‌گیری، عکس‌های دارای امتیازهای بیشتر، به مرحله بالاتر صعود می‌کنند. در نهایت ۵۰ داور اصلی، ۳۵۰ عکس برتر جهان را رده‌بندی و منتشر می‌کنند. همچنین ۱۰ نفر به‌عنوان برترین عکاسان جهان آن سال معرفی می‌شوند که در دوره اخیر که آثار خوشرو نیز در میان برترین‌ها قرار گرفت. خوشرو در باره اهمیت این جایزه بین‌المللی عکاسی چنین توضیح می‌دهد: «مسابقه 35awards عکاسان نخبه‌گرا را معرفی نمی‌کند، بلکه عکاسان را که می‌توانند ارتباط مستقیمی با مخاطب برقرار کنند، گزینش می‌کند. به‌عبارت دیگر روش خاص داوری این جایزه نشان می‌دهد عکاسان می‌توانند با اجماع جهانی بر سر یک اثر هنری به توافق برسند. همین موضوع البته حکایت از پتانسیل بالای آثار برتری دارد که عکاسان از هر گوشه از جهان به این رویداد ارائه می‌کنند. ضمن اینکه مدل داوری خاص این مسابقه نیز اهمیت زیادی دارد. چراکه آثار تا زمان داوری به‌صورت ناشناس بررسی و ارزیابی می‌شوند. این روش کمک می‌کند که عکاسان بر اساس کیفیت کارشان قضاوت شوند. به این صورت که یک عکس یا عکاس باید به قدری مورد توافق قرار گیرد تا به رتبه‌های بالاتر برسد.»

سوزه‌ها و مضمون عکس‌ها

ابوالقاسم خوشرو در دوره اخیر جایزه بزرگ عکاسی 35awards سه اثر ارائه کرده که هر سه نیز باراً از هیئت‌داوران در شمار ۱۰ اثر برتر سال ۲۰۲۴ این رویداد انتخاب شدند. سوزه اصلی دو عکس خوشرو در باره اسب است و سومی درباره نسبت انسان و فناوری. او درباره آثاری که گرفته و به جشنواره 35awards فرستاده می‌گوید: «یکی از عکس‌ها مربوط به اسبی است که از اصطبل خارج شده است. در نگاه اول، تصویر بسیار ساده به نظر می‌رسد، اما با دقت بیشتر، حضور سایه انسان روی دیوار، بعدی جدید به آن اضافه می‌کند. اسب در انتظار مهتر خود، بی‌حوصله می‌شود و در خیال خود، تصویر مهتر را روی دیوار می‌بیند. از نظر هنرمند لحظات کشنده انتظار، موضوع اصلی این تصویر است که روح و روان اسب، این حیوان زیبا و نجیب را مچاله کرده است؛ به‌طوری که مهتر خود را در خیال، تجسم می‌کند. از لحاظ تکنیکی هم بازی سازه، نور و فضای ایجاد شده، در اوج سادگی و قدرت‌نمایی به تصویر کشیده شده است.»

اثر برگزیده دیگر خوشرو، عکسی از دو اسب است که یکی مشغول خوردن غذا است و اسبی دیگر از پنجره او را با کنج‌کاو، نظاره می‌کند. در نگاه اول، با چیدمان ساده و دقیق از حیث آناتومی، برای بیننده این ابهام به‌وجود می‌آید که این سر همان اسب است که برگشته و بیننده را نگاه می‌کند. در حقیقت هنرمند با ایجاد ابهام فضایی به‌وجود می‌آورد که هر دو اسب یکی هستند در عین حالی که دو اسب مجزا هستند. خوشرو در باره این تصویر توضیح می‌دهد: «نگاه نافذ و جست‌وجوگر اسبی که از دریچه بیرون می‌نگرد، نگاه انتقادی به زندگی مبتنی بر خواب، و خوراک اسب دیگر است. ترک سراسری روی دیوار هم حکایت از طولانی بودن این داستان دارد. از حیث فنی و ایجاد ابهام، این عکس انرژی فوق‌العاده‌ای درون خود دارد و طی دو ماه اخیر که در جمع تخصصی، هنرمندان جهان مطرح شده با استقبال بسیار زیادی روبه‌رو شده است. سومین اثر برگزیده نیز عکسی با سوسیه‌های انتقادی به‌رابطه انسان و فناوری است. خوشرو این عکس را چنین شرح می‌دهد: «در این عکس سعی کرده‌ام به سیطره بیش از حد فناوری بر زندگی خصوصی را به نمایش بگذارم. از بعدی دیگر نیز می‌توان عکس را بسته به نوع جامعه و تعامل ملت دولت، به‌منفع آزادی‌های اجتماعی، تفسیر کرد.»

خوشرو همچنین خبر داد که به‌زودی آثار موسوم به «قاین آرت» خود را در نمایشگاهی بزرگ به نمایش دهد و برخی از آخرین آثار لوگ خود در باره انقلاب و فتح خرمشهر را در معرض دید قرار دهد.

مسعود شاه‌حسینی
خبرنگار گروه فرهنگ

هشتم فروردین ماه امسال یک عکاس ایرانی، برگزیده یکی از معتبرترین مسابقه‌های بین‌المللی عکس جهان شد. هیئت‌داوران جایزه بزرگ عکاسی 35awards سه عکس ابوالقاسم خوشرو، عکاس باسابقه ایرانی‌رابطه‌انوار برتر شاخه‌مینیمالیسم سال ۲۰۲۴ معرفی کردند. این خبر گرچه در حال‌هوای نوروژ و تعطیلی‌ها گم‌شده، ولی برای جامعه عکاسی ایران افتخار بزرگی است. خوشرو این موفقیت را در رقابت با بیش از ۱۰ هزار عکس از ۱۳۱ کشور و بیش از ۴۲ هزار عکس به‌دست آورده است. اولین عکس مجموعه ۳۵۰ عکس برتر جهان این جایزه نیز با یکی از آثار خوشرو آغاز شده است.

تاریخچه، اهداف، برندگان و بخش‌بندی‌ها

35awards یک رویداد بین‌المللی و سالانه عکاسی است که سال ۲۰۱۵ تأسیس شده و به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین رقابت‌های عکاسی در جهان شناخته می‌شود و در سال‌های اخیر با استقبال زیاد عکاسان از ملیت‌های مختلف، به یکی از مهم‌ترین رویدادهای عکاسی جهان تبدیل شده است. هدف اصلی 35awards شناسایی و معرفی ۱۰۰ اثر برتر سال در شاخه‌های گوناگون است و از سال ۲۰۱۷ نیز عکاسان مهم و تأثیرگذار را بر اساس سه اثر مهم‌شان معرفی می‌کند. 35awards بخش‌های ۱۰ گانه‌ای دارد و برندگان آن هم‌ساله به‌صورت آنلاین اعلام می‌شوند. برگزیدگان این رویداد بین‌المللی عکاسی علاوه بر اینکه گواهینامه و جوایز نقدی دریافت می‌کنند، آثارشان در یک آلبوم سالانه منتشر می‌شوند. این رقابت نه‌تنه‌بایه عکاسان کمک می‌کند تا آثار خود را در سطح بین‌المللی به‌نمایش بگذارند، بلکه فرصت‌های شبکه‌سازی و پیشرفت حرفه‌ای را نیز برای آنها فراهم می‌کند.

از نقاشی به عکاسی

ابوالقاسم خوشرو بیش از چهار دهه است که عکاسی می‌کند. او عکاسی را در روزهای پرالتهاپ انقلاب، در کنار نقاشی‌هایی چون کوه گلستان و عباس عطار آغاز کرد. خوشرو از همان کودکی با رنگ و خط عجين بود؛ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، زیر سایه استاد یگانه‌بهنم، اولین گام‌هایش را در نقاشی برداشت. سپس در مکتب بزرگانی چون فرامرز پیلارام، غلامحسین نامی، هانپال‌الخاص و مرتضی کاتوزیان، این هنر را به اوج رساند. خوشرو مدتی درگیر امور اجرایی شد و همین منجر به نزدیکی‌اش به عکاسی شد. او در دهه ۸۰ و با آغاز دوران دیجیتال هنر، تمام تمرکز خود را بر عکاسی گذاشت و مهارت و دانش خود را در محضر استادان بزرگ داخلی و خارجی ارتقاء داد. او با تلفیق هنر نقاشی و دقتش در عکاسی، آثاری بی‌بدیل در فاین‌آرت، مینیمالیسم، عکاسی معماری و خیابانی خلق کرد که هر یک، امضایی از تسلط او بر تکنیک‌های عکاسی‌اند. تکنیک‌هایی که جز 35awards، موفقیت‌هایی در میدان‌های رقابتی دیگری هم برای او به همراه آورده است. او در این زمینه می‌گوید: «من تمام اصول هنرهای تجسمی را طی کردم و از نقاشی به عکاسی رسیدم. آثاری هم که در این جشنواره به‌عنوان آثار برتر انتخاب می‌شوند، تمام اصول و قواعد کمپوزیشن، رنگ و ساخت باید با دقت رعایت شده باشد. من در پروژه‌ای در مورد اسب کار کردم و متوجه‌شدم که اسب حیوانی بسیار باهوش و نجیب است. حالات درونی اسب مانند انتظار، قهر، آشتی و سرخوشی بسیار جالب است. یکی از عکس‌های من که در رتبه‌بندی جهانی قرار گرفته، بر اساس حالت انتظار اسب طراحی شده است. این اثر به‌صورت سباده و سفید و بسیار ساده است، اما توانسته اجماع جهانی را به‌دست آورد.»